

مناسبات روستا - شهر و دلایل توسعه نیافتگی ایران در دوره قاجار دکتر صادق اکبری و دکتر سعید معیدفر^۱

چکیده

هانس بوبک جغرافیدان اجتماعی اتریشی با ارایه نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری و اعتقاد به اینکه این نظریه برای سده هیجدهم و نوزدهم شرق اسلامی کاربرد دارد، بر این نظر است که از طریق ائتلاف حاکمیت و شهر، و بواسطه مناسبات استثماری شهر با روستا، مازاد اقتصادی جامعه روستایی به شهرها منتقل می‌شود و همین امر سبب توسعه نیافتگی روستاها می‌گردد. نتیجه این فرض این می‌شود، که شهرها باید توسعه یابند. مساله این است که پس چرا توسعه شهری (توسعه اقتصادی شهری) و همچنین توسعه ملی رقم نخورده است. بررسی‌ها نشان دهنده این هستند. بدلیل شکل‌گیری و رشد و توسعه شیوه تولید سرمایه‌داری وابسته در کشور و قرار گرفتن کشور در وضعیت وابستگی و تهیه و تولید کالاها و مواد خام در بخش کشاورزی برای تامین نیازهای اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، ارزش افزوده و مازاد اقتصادی کشور از طریق شهرها به خارج از کشور صادر می‌شده است بنابراین، شیوه تولید سرمایه‌داری با تجاری کردن محصولات کشاورزی از طریق شهرها این مازاد را به کشورهای سرمایه‌داری صادر می‌نمود ولی شهرها خود بی نصیب از این مازاد اقتصادی بودند. بنابراین توسعه نیافتگی روستایی را باید در وضعیت وابستگی اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی سرمایه‌داری و خروج مازاد اقتصادی جستجو نمود و نه در مناسبات روستاها با شهرها. شهرها نیز در این دوره تاریخی، خود مورد استثمار شهرهای کشورهای سرمایه‌داری مرکز قرار دارند و رشد ظاهری و فیزیکی آنها ناشی از ایفای نقش برای سرمایه‌داری مرکز است. نکته ای که مهم است این است که این نظریه، وجود شیوه تولید سرمایه‌داری و وابسته بوده نظام اقتصادی کشور به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و به دنبال آن خروج ارزش افزوده تولیدی و مازاد اقتصادی کشور را به فراموشی می‌سپارد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌داری بهره‌بری، انتقال مازاد ارزش افزوده، مناسبات روستا-شهر، توسعه نیافتگی و توسعه نیافتگی، تجاری شدن کشاورزی

طرح مساله

هانس بوبک^۱ در نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری^۲ خود، ادعا دارد که مناسباتی که بین روستاها و شهرها در جوامع سنتی و ماقبل صنعتی در شرق اسلامی و بویژه خاورمیانه وجود دارد، مبتنی بر روابط سلطه‌آمیز شهر با روستا و مبتنی بر استثمار و بهره‌کشی از آن است. شهر و حاکمیت با تکیه بر ائتلاف با هم نسبت به انتقال مازاد اقتصادی از جامعه روستایی اقدام می‌نمایند. شهر از نواحی روستایی دریافت می‌نماید، بدون اینکه چیزی به آن بدهد و شهر همانند زالو روستاهای نواحی پیرامون خود را می‌مکد. شهرها بواسطه این که محل استقرار بزرگ مالکان هستند، ارزش افزوده تولیدی روستاها را جذب می‌نمایند و در واقع، آن را غصب می‌کنند. پرسش این نوشتار این است که از آنجا که مازاد اقتصادی و ثروت به عنوان یکی از مهمترین عوامل و منابع توسعه و بویژه توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، اگر آن چنان که بوبک می‌گوید، منابع مذکور به شهرها منتقل می‌گردد، پس چرا توسعه شهری با اتکا بر توسعه صنعتی و تجاری و در کل توسعه کشور در دوره قاجار رقم نخورده است؟ چه عواملی در این فرآیند نقش داشته‌اند و مانع اثر گذاری منابع اقتصادی در تولید ثروت بیشتر و رواج و رونق کارآفرینی شده است؟ آیا مازاد اقتصادی که از روستا به شهرها منتقل می‌گردید، در همان شهرها مصرف و یا سرمایه‌گذاری می‌شد و یا این که به جایی و یا کشور دیگری انتقال می‌یافت؟ به عبارت روشن‌تر، مشکل نظریه بوبک در تبیین وضعیت جامعه ایران در دوره قاجار به عنوان یکی از دوره‌های تاریخی چیست؟ در این گفتار تلاش می‌گردد، ضمن طرح دقیق نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری و با تکیه بر شواهد، اسناد و مدارک، به نقد، بررسی و تحلیل آن با توجه به شرایط تاریخی کشور در این دوره زمانی بپردازیم.

نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری

هانس بوبک از جمله صاحب‌نظرانی است که به دلیل اصالت علمی کارهایش و طرح مسائل بنیادی در جغرافیا، بویژه جغرافیای اقتصادی و اجتماعی، صاحب شهرت است و در میان جغرافیدانان ایران به دلیل مطالعاتی که در خاورمیانه انجام داده است، مورد توجه بوده است. بوبک در اوج مقبولیت نظریه‌های تکامل اجتماعی و اقتصادی مارکس وقتی اشکال تعریف شده آن توسط نظریه‌پردازان فرمایشی دوره استالین که میدان بلامنازعه‌ای را در حیطه اقتدار فکری خود گرفته بودند، به خود جرأت داد که از دیدگاه جغرافیای اجتماعی نظریه جدیدی را در تقابل با نظریات مارکس درباره تکامل اجتماعی و اقتصادی جوامع، تدوین و عرضه کند (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۱۹). بوبک نظریه مراحل تکوین اجتماعی و اقتصادی جوامع را براساس محتوی و عملکرد بردارهای اصلی جوامع، از جمله اقتصاد و سیاست و نه فقط شکل آن، آن‌چنان که در نظریه مارکسیستی

¹ Hans Bobek

² Rent-capitalism

مدنظر بود، در شش مرحله به شرح زیر طبقه بندی نمود:

- معیشت مبتنی بر شکار؛
- مرحله ورزیدگی در شکار، صیادی و گردآوری خوراک؛
- مرحله کشاورزی عشیره‌ای با فعالیت‌های جنبی در زمینه دامداری شبانی؛
- مرحله جامعه کشاورزی با تشکیلات حکومتی سازمان یافته؛
- مرحله عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری؛ و
- مرحله سرمایه‌داری مولد، جامعه صنعتی و عناصر شهری جدید.

طرح این نظریه توسط بوبک و موضع‌گیریهای جغرافیدانان از جمله اویگن ویرت^۱ نسبت به آن موجب شد تا نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری و نقش آن در توسعه شهری و عملکرد آن با روستاها، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین محورهای بحث در تمام مباحثات میان جغرافیدانان در دهه ۱۹۷۰ باشد (همان منبع: ۲۰).

منظور بوبک از اصطلاح سرمایه‌داری بهره‌بری عبارت از یک مرحله تکاملی مستقل میان مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و مرحله سرمایه‌داری تولیدی است. بوبک در تبیین نظریه مراحل شکوفایی اجتماعی - اقتصادی جوامع، بویژه آنجا که به مرحله پنجم از مراحل طبقه‌بندی خود، یعنی مرحله عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری می‌رسد، شهرهای شرقی را به عنوان مصادیق اصلی این مرحله می‌داند. تعبیر وی از اقتصاد شهری در شهرهای شرقی، اقتصادی است مبتنی بر مالکیت که از ائتلاف و ارتباط تنگاتنگ در منافع مشترک بین حکومت و شهر از طریق تملک و تصاحب بهره یا رانت در فعالیت‌های کشاورزی و پیشه‌وری به دست می‌آید و از طریق تجاری کردن این بهره، نوعی سرمایه‌داری به وجود می‌آید که وی آن را سرمایه‌داری بهره‌بری می‌نامد (اهلرس به نقل از مؤمنی، ۱۳۷۷: ۳۱۳؛ رهنمایی همان منبع: ۲۱).

این نظریه بر پایه شناختی کلی از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شرق اسلامی تدوین شده است و تلاش می‌نماید که مناسبات وابستگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی را تبیین نماید. اهلرس به عنوان شارح نظریه بوبک می‌گوید: *نحوه دریافت حق مالکانه از محصول در عرصه روستایی و انتقال آن به مراکز شهری، یعنی محل زندگی زمینداران بزرگ، از ویژگیهای بنیادی ساختار اجتماعی- اقتصادی سرزمینهای شرق اسلامی است.* (اهلرس، ۱۳۷۱: ۱۲۲). مؤمنی یادآور می‌شود که اصول نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری بر این استوار است که در نظام اجتماعی و اقتصادی خاورمیانه، شهر منزلتی ویژه دارد. بهره‌کشی اصل مهم حاکم بر روابط و مناسبات بین این شهرها و حوزه نفوذ آنهاست. شهر از نواحی روستایی دریافت می‌کند، بی‌آنکه چیزی پس بدهد. بدین معنی که شهر نظیر زالو یا انگل منطقه نفوذ روستایی‌اش را می‌مکد. زمینداران و سایر بهره‌کشان شهری در

¹Eugen Wirth

روستاها یا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و یا اگر می‌کنند برای استثمار بیشتر روستائیان است. ایستایی و رکود جوامع روستایی خاورمیانه ناشی از همین مناسبات سرمایه‌داری بهره‌بری است (مؤمنی، همان منبع: ۱۵۳؛ تقی‌زاده ۱۳۸۴: ۴۰).

مطابق با این نظریه مازاد اقتصادی و تولیدی جامعه روستایی از طریق پیش فروش محصولات کشاورزی به دلالتان و تجار شهری در برابر دریافت اعتبارات نقدی (وام) و جنسی به شهرها منتقل می‌شود و پیامد این گونه وام‌دهی عبارت از وابستگی اجتماعی و اقتصادی به صور گوناگون میان روستا و شهر است. بحث کاربرد نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک در ایران پس از ترجمه مطالعات اکارت اهلرس به عنوان یکی از شارحان بوبک درباره ایران با عنوان سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران) مورد توجه واقع شد (اهلرس، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

اهلرس که در چارچوب نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری در مورد ایران تحقیقاتی را به انجام رسانده است، اعتقاد دارد، مکانیزم (سازوکار) مناسبات وابستگی بین شهر و مناطق روستایی موجب پیدایش ساختارهای فضایی کاملاً مشخص شده‌اند که ماهیت شهرنشینی شرق اسلامی را از سرشت شهرنشینی کشورهای صنعتی غرب متمایز می‌کند. بررسی‌های میدانی مؤید این است که شهرهای بزرگ به طور روزافزونی درصدداند تا بازرگانی ملی را به طور تمام و کمال به خود اختصاص دهند و به منزله مرکز توزیع منطقه‌ای، بزرگ و مؤثر عمل کنند و بدین وسیله سیطره بی‌چون و چرای خود را استوارتر کنند. او شیوه اثرگذاری و پیامدهای فضایی روابط شهر و روستا را بیان می‌کند و تبادل کالا و تولیدات بین شهرها و سلسله مراتب مکان مرکزی حاصله از این روابط را در شهرهای شرقی که ایران هم جزو آنهاست، نظام مکان مرکزی سلطه می‌نامند و آن را با نظام مکان مرکزی کشورهای صنعتی مقایسه می‌نمایند و وجوه تمایز این دو ساختار را روشن می‌کند. او معتقد است که برای شکل روابط شهر و پیرامون تفسیر دیگری وجود ندارد. باید اذعان کرد که تکامل نظام مکان مرکزی سلطه با خصیصه مناسبات وابستگی سرمایه‌داری بهره‌بری مابین شهر و منطقه روستایی یکی دیگر از وجوه بارز و تعویض ناپذیر شهرنشینی در قلمرو شرق اسلامی است (مؤمنی، همان منبع: ۳۱۷).

اهلرس در نوشتاری دیگر یادآور می‌شود که به سادگی می‌توان نشان داد که شهرهای کوچک و متوسط ایران در چارچوب یک نظام اجتماعی-اقتصادی با ساختاری شدیداً سلسله مراتبی استقرار یافته‌اند. این گونه شهرها به عنوان واسطه یا پل ارتباطی مراکز بزرگتر شهری کشور، با حومه پیرامونی خود مانند آنچه پیشتر مطرح شد، برخوردی انگلی دارند، اما به نوبه خود، حتی در این حالت انگلی نیز، زیر نفوذ و سیطره شهرهای بزرگ و متروپل‌های کشور یعنی مراکز مسلط اداری هستند. این گونه سیطره بر شهرهای کوچک و متوسط نه تنها باعث تقویت توان اقتصادی متروپل‌ها می‌شود بلکه ارتباط دور افتاده‌ترین نواحی روستایی به مراکز تعیین کننده استان یا به متروپل‌های کشور را امکان پذیر می‌سازد (اهلرس، ۱۳۷۱: ۱۳۳). از این رو، می‌توان گفت نظریه سرمایه‌داری

بهره‌بری بدون اشاره به نظریه وابستگی کلاسیک و بویژه نظریه پرداز اصلی آن، یعنی آندره گوندر فرانک در آن چارچوب می‌اندیشد و بر استثمار و بهره‌کشی شهرها به عنوان مرکز از روستاها به عنوان پیرامون تاکید دارد (فرانک^۱، ۱۹۶۶: ۳۱-۳۰ و اسکلایر^۲، ۱۹۸۸: ۷۰۱-۷۰۰). لذا می‌توان چنین استنتاج کرد که دلایل توسعه نیافتگی پیرامون باید استثمار و غارت منابع آن توسط مرکز باشد و مرکز می‌بایست توسعه می‌یافت، در حالی که نه پیرامون و نه مرکز در دوره قاجار توسعه نیافتند.

بر اساس این نظریه، نقشهای شهری چیزی جز رو ساخت نبوده و موجودیت آنها اساساً ناشی از حوزه نفوذ آنها است و از این حوزه نفوذ است که شهر، قسمت اعظم نیروی محرک برای رشد و توسعه اقتصادی و نیز ویژگیهای اجتماعی و سیاسی خاص خود را دریافت می‌دارد. زمینداران ساکن در شهر قسمت اعظم نواحی روستایی را کنترل می‌کردند و بالتبع سهم عظیمی از تولیدات و محصولات کشاورزی روستا را به خود اختصاص می‌دادند و این محصولات مستقیماً به شهر سرازیر می‌شد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

نکات اصلی نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری

اهلرس در بررسی خود در باره روند تکوین شهرهای سنتی ماقبل سرمایه‌داری، در جمع بندی کوتاهی نقطه نظرات بوبک پیرامون سرمایه‌داری بهره‌بری و ویژگیهای اساسی این نوع صورت بندی را این چنین معرفی می‌کند:

- شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه بر پایی خود را مدیون حوزه روستایی پیرامونی هستند، بلکه این حوزه از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازد و در عین حال، بازاری برای تولیدات نهایی و یا نیمه تمام شهری به شمار می‌آید؛
- شهرها محل اصلی اقامت زمینداران بزرگ (مالکان غایب) است و از این رو،
- ارزش/فزوده تولیدی در روستاها به مراکز شهری انتقال می‌یابد و در واقع، شهرها این گونه عواید را غصب می‌کنند، علاوه بر این،
- روستاها مراکز تولید و شهرها کانون‌های بازاری و تجاری متکی بر (تولیدات) عرصه روستایی به شمار می‌روند، به این ترتیب،
- شهرهای سنتی بر مبنای حومه روستایی پیرامون خود و برای آن دوام می‌یابند، نتیجتاً،
- روند تکوین اجتماعی- اقتصادی با پویش ناچیز خود، منجر به رشد شهرها و واپس ماندن محیطهای روستایی می‌گردد (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۷).

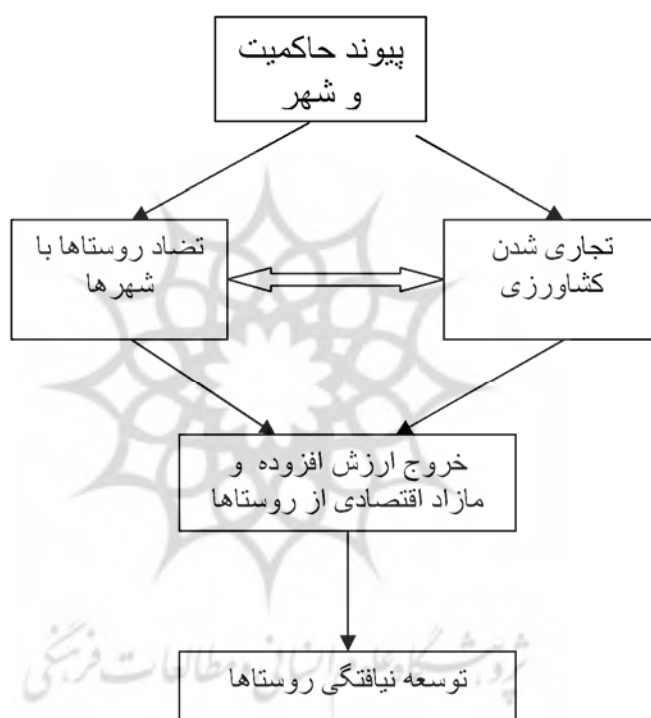
اهلرس علل دیر پایی این روابط را با سه ویژگی اصلی این گونه روابط، این چنین معرفی می کند:

الف- پیوند تنگاتنگ حاکمیت (دولتی) و شهر؛

ب- بازرگانی شهری بر اساس عواید حاصل از بهره تولیدات روستایی؛ و

ج- آمادگی ناچیز زمین داران بزرگ برای سرمایه گذاری های تولیدی (همو، همانجا: صص ۷۶-۷۷).

نظریه سرمایه داری بهره بری و روابط بین مهمترین متغیرهای آن را می توان در چارچوب مدل زیر ترسیم نمود.



نقد و بررسی نظریه سرمایه داری بهره بری

در اینجا چندین نکته وجود دارد. اولین و مهمترین نکته این است که شکل گیری شیوه تولیدی سرمایه داری در دوره قاجار و رشد تدریجی آن در این سده تاریخی زمینه ساز پیوند اقتصاد ملی به اقتصاد سرمایه داری جهانی را فراهم ساخت و با توجه به سازوکارهای مورد عمل، این نظام کشور را در یک وضعیت وابستگی قرار داد و برقراری ارتباط و پیوند میان نظام اقتصادی و اجتماعی کشور در دوره قاجار با نظام سرمایه داری جهانی موجبات انتقال ارزش افزوده تولیدی بخش کشاورزی از روستاها به شهرهای کوچک و متوسط و از آنجا به پایتخت و از آن جا نیز به شهرهای غربی به عنوان مراکز سرمایه داری را فراهم نمود. تولیدات کشاورزی در چنین وضعیتی نه در جهت تامین

نیازهای داخلی بلکه برای پاسخگویی به نیازهای بازارهای جهانی تولید می‌شوند. تجاری شدن محصولات کشاورزی به دلیل وجود شیوه جدید تولید یعنی شیوه تولید سرمایه‌داری است که پیوند دهنده اقتصاد ملی کشور به اقتصاد جهانی است.

دومین نکته اینکه شهرها بر خلاف نظریه بوبک هیچ بهره‌ای از مازاد اقتصادی جامعه روستایی نبرده‌اند و تنها به ایفای نقش واسطه‌ای پرداختند. شهرهایی که در فرآیند انتقال مازاد اقتصادی و تولیدی نقش و سهم بیشتری بر عهده داشتند به لحاظ جمعیتی نیز با رشد و رونق روبرو بوده‌اند و در مقابل شهرهایی که برای اقتصاد سرمایه‌داری جهانی نمی‌توانستند نفعی داشته باشند، از لحاظ رشد و رونق اقتصادی و جمعیت روبه افول گذاشتند.

سومین نکته اینکه شهرها برخلاف تصور بوبک نه تنها تضادی با روستاها نداشتند، بلکه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی پیوندهای مستحکمی میان روستاییان و شهرنشینان وجود داشت و مراودات و مبادلات اجتماعی و فرهنگی زیادی میان آنها وجود داشته است.

نکته چهارم اینکه بر خلاف تصور بوبک حاکمیت با هیچ عرصه و تشکیلی ائتلاف ندارد و استبداد و قدرت مطلقه خود را بر تمام عرصه‌ها اعمال می‌نماید و بسته به شدت و ضعف قدرت ایلات و طوایف میزان لطف و کرم آن می‌توانست افزایش و یا کاهش یابد.

بنابراین دلایل، توسعه نیافتگی کشور و به عبارت دقیق‌تر عدم انباشت سرمایه‌به‌عنوان یکی از مهمترین منابع توسعه یافتگی قرار داشتن کشور در یک وضعیت وابستگی و خروج مازاد اقتصادی از آن است و سایر متغیرها نقش کمتری داشته‌اند.

در خصوص نکته اول، فوران به عنوان یکی از صاحب‌نظرانی که دوره قاجار را به خوبی مطالعه و بررسی کرده است، اعتقاد دارد، سه شیوه تولیدی که دوره ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی (دوره صفوی) در هم آمیخته بودند، در دوره قاجار نیز همچنان به حیات خود ادامه دادند، با این تفاوت که شیوه تولیدی سرمایه‌داری کوچکی با ویژگی‌های تاریخی منحصر به فرد خود پدید آمد و سرمایه خارجی در آن نقش مسلط داشت، و شیوه تولید خرده‌کالایی در صنایع دستی به شدت بر اثر ورود محصولات غربی آسیب دید و بخش کشاورزی به نحو فزاینده‌ای به کشت محصولات تجاری و صادراتی روی آورد.

به طور مشخص‌تر شکل بندی اجتماعی جامعه ایران در دوره قاجار مبتنی بر چهار شیوه تولید بوده است، که سهم و نسبت آنها در جامعه ایران عبارت بوده‌اند از: شیوه تولید سرمایه‌داری (۴-۳ درصد)، شیوه تولید خرده‌کالایی (۲۲-۱۷ درصد)، شیوه تولید دهقانی مبتنی بر سهم‌بری از محصول (۵۵-۵۰ درصد) و شیوه تولید دامداری مبتنی بر کوچ (۲۵ درصد) (فوران، ۱۳۷۱: ۹۶-۹۵). بنابراین در این دوره با شکل‌گیری نیروی جدیدی رو به رو هستیم که در فرایندهای اقتصادی و اجتماعی کشور به دنبال نقش آفرینی است.

آبراهامیان و فوران در تشریح چگونگی رشد و گسترش شیوه تولید سرمایه‌داری در کشور معتقدند،

رقابت انگلستان و روسیه تزاری بر سر کسب نفوذ در ایران در خلال قرن نوزدهم به بطور مستمر افزایش یافت، تا آنجا که این دو قدرت اروپایی با فرا رسیدن سال ۱۹۱۴ میلادی بر تجارت خارجی ایران تسلط یافتند و همگام با آن، نفوذ سیاسی و نظامی قابل ملاحظه‌ای نیز کسب کردند. با پیوستن ایران به اقتصاد جهانی، بازارهای محلی در اقتصاد ملی ادغام شدند و با واردات محصولات کارخانه‌ای، حجم تجارت افزایش یافت و صدور محصولات کشاورزی به ویژه پنبه، برنج، تنباکو و... خودکفایی جامعه محلی را از بین برد و کشاورزی تجاری را رواج داد و برخورد و دادوستد شهر و روستا، صادرکنندگان و روستاییان و رباخواران و کشاورزان را بیشتر کرد (آبراهامیان ۱۳۸۱: ۷۶ و فوران ۱۳۷۱: ۹۷).

فوران با ارایه آمار و اطلاعات از میزان و حجم صادرات و واردات ایران با سایر کشورها و بویژه انگلستان و روسیه از سلطه بی چون و چرای قدرت خارجی در روابط با ایران یاد می‌کند. وی اشاره دارد که ایران اواخر دوره قاجار آشکارا با تعریف والرشتاین از پیرامون همخوانی دارد. پیرامون اقتصاد جهانی، آن بخش جغرافیایی است که تولید در آن به طور عمده محدود به تولید کالاهای کم مرتبه - به این معنی که به نیروی کار تولید کننده این کالا پاداش بالنسبه اندکی تعلق می‌گیرد- اما بخشی تفکیک ناپذیر از نظام کلی تقسیم کار است، زیرا کالاهای مورد بحث برای کار روزانه ضروری است (فوران، ۱۳۷۱: ۹۷ و والرشتاین^۱، ۱۹۷۴: ۸-۲۳۷).

حبیبی یاد آور می‌شود که در عصر قاجار، اقتصاد متکی به تولید زراعی و کالایی در مقابل اقتصاد متکی به تجارت و صدور مواد خام و ورود مواد ساخته شده تسلیم می‌گردد. جامعه روستایی و جامعه ایلی در چارچوب شرایط تولیدی، اجتماعی و فرهنگی کهن بی هیچ نوآوری و ابداعی تن به فقر روز افزون می‌دهند و جامعه شهری متأثر شده از هجوم سرمایه و کالای بیگانه و شرایط برونمی، خود را در فروپاشی چارچوب‌های کهن زیست و تولید می‌یابد، بی آنکه در این فروپاشی مؤثر افتاده باشد. (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۲۳)

در خصوصی دومین نکته باید گفت، جمعیت شهری ایران از ۱۴-۱۰ درصد کل جمعیت کشور در پایان دوره صفوی به ۲۵-۲۰ درصد در سال ۱۹۱۴ میلادی افزایش یافت و از ۸۰۰-۵۰۰ هزار نفر به ۲-۲/۵ میلیون نفر رسیده است. البته افزایش جمعیت شهری کشور در کلیه نقاط به یک میزان نبوده است. جمعیت شهر رشت با رشد فزاینده روبرو بوده است و افزایش آن ناشی از تجارت گسترده با روسیه بوده و افزایش جمعیت بوشهر نیز به دلیل تجارت فزاینده با هند و انگلستان بوده است. جمعیت اصفهان از ۲۰۰-۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۸۰۰ به ۹۰-۸۰ هزار نفر کاهش یافت و شهرهای یزد، کاشان و کرمانشاه نیز با کاهش جمعیت روبرو بوده‌اند و دلیل آن انحطاط بخش صنایع دستی بواسطه واردات از کشورهای غربی بوده است (فوران، ۱۳۷۱: ۱۰۳).

^۱ - wallerstein

شهر در دوره قاجار به عنوان مرکز حکومتی و تجاری و بازرگانی، بیش از آن که در ارتباط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی با روستاها و منطقه تابعه خود باشد، متأثر از شرایط ورود و گردش کالا و سرمایه خارجی است و بدین سبب در دوره قاجار آن دسته از شهرهایی رونق می‌یابند که از دیر باز نقش بازرگانی داشته و درهای خود را بر روی جریانات تجاری و مبادلات بین‌المللی گشوده بودند (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

در زمینه نکته سوم باید گفت، پرویز پیران صاحب‌نظر در تاریخ شهر و شهرنشینی یاد آور می‌شود شهرهای پدیدآمده گرچه منابع محدود روستاهای عقب مانده پیرامون خود را جذب می‌کردند، لیکن بین شهر و روستا هرگز تضاد آشکاری آن سان که بین شهر و مناطق روستایی مغرب زمین چه در دوران باستان و چه در فجر پیدایش سرمایه‌داری وجود داشته، ظاهر نمی‌شده و شهر و روستا هر دو تحت سیطره نظام سیاسی فردمدارانه و متمرکز قرار داشتند و لذا عوام شهری با توده روستایی از جهات گوناگون یکسان به حساب می‌آمدند (پیران، ۱۳۶۸: ۴۳-۴۴). پیران در جایی دیگر یادآور می‌شود که شهر دوران قاجار به هیچ وجه از انسجام و یکپارچگی برخوردار نبوده است. شهر از درون پاره پاره و اعضای گروه‌های قومی، روستایی، ایلی و نظایر آن خود را به محله متعلق می‌دانستند و نه به کل شهر (پیران، ۱۳۷۶: ۲۷). احمد اشرف نیز اعتقاد دارد، در مواردی که هر محله [شهر] پیرو یکی از مذاهب اسلامی بود، همبستگی هریک از محله‌های شهری با روستاهای پیرامون که هم مذهب با آن بود، بیش از همبستگی محله‌ها با یکدیگر بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰).

در باره نکته چهارم، از منظر قدرت حکومت و حاکمیت آن در این دوره باید گفت، قدرت شاه به طور بالقوه بسیار گسترده بود و او مالک همه زمینهای غیر وقفی بود که قبلاً بخشیده نشده بودند. او می‌توانست دارایی آنها را که مغضوب شده بودند، مصادره کند. کلامش قانون بود و حق منحصر به فرد دادن امتیاز، مزیت و انحصارات را داشت. . . به نظر می‌رسید که قدرت شاه از دربار به همه مناطق امپراتوری اش گسترش پیدا کرده است (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۴).

اشرف برای تصویر ماهیت حکومت در عصر قاجار می‌نویسد: حکومت قاجارها معایب نظام نیرومند مرکزی و معایب نظام‌های ملوک الطوائفی را از نظر ایجاد شرایط لازم برای رشد سرمایه‌داری مستقل در خود گرد آورده بود، و با ایجاد ناامنی‌های گوناگون، مانع رشد و توسعه سرمایه‌داری صنعتی که نیازمند ثبات و امنیت است، می‌گردید و تنها روزهایی برای رشد سرمایه‌داری تجاری باز می‌گذشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۸). بنابراین، برخلاف تصور نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری، پیوندی بین حاکمیت و شهر نیست، شهر و روستا بایکدیگر پیوند و مناسبات اجتماعی و فرهنگی دارند و کلیت‌هایی مجزا و در تقابل نیستند. نکته ای که این نظریه به فراموشی می‌سپارد، انتقال مازاد اقتصادی به کشورهای سرمایه‌داری غرب است که این رسالت را شیوه تولید سرمایه‌داری وابسته بر عهده می‌گیرد و این شیوه تولید با توجه به ماهیت خود در شهر استقرار می‌یابد و نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری به اشتباه تصور می‌کند این مازاد جامعه روستایی در شهر می‌ماند، در حالی

که چنین تصویری اشتباه است.

جمع بندی و نتیجه گیری

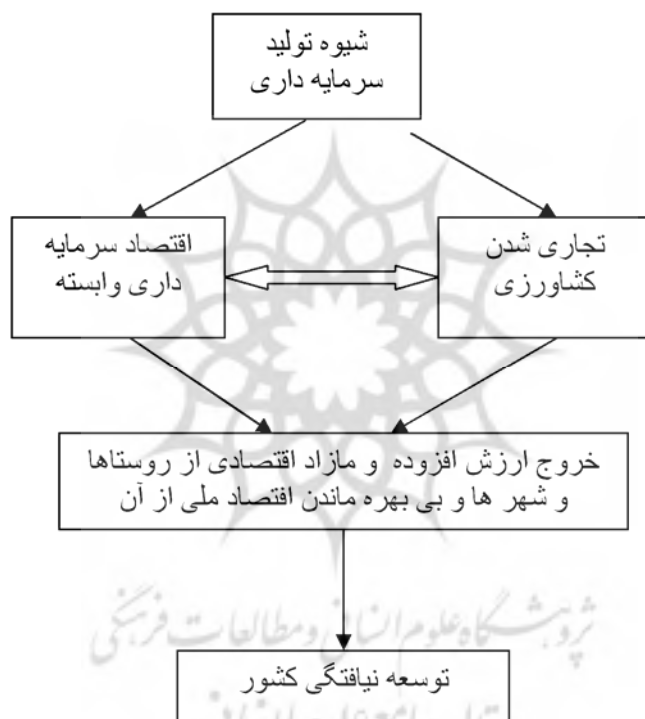
مستندات مذکور مؤید این امر است که از طریق رشد شیوه تولیدی سرمایه‌داری، اقتصاد ایران دوره قاجار با اتکا به کشاورزی و تجاری شدن محصولات آن، وارد مبادله با اقتصاد جهانی گردید و تنها محصولات صادراتی آن مواد اولیه و خام است. فوران با تکیه بر رویکرد مکتب وابستگی جدید و بویژه نظر کاردوزو گسترش مبادله مواد خام مانند، تریاک، پنبه، برنج، گندم، تنباکو، خشکبار و دانه‌های خوراکی، ابریشم و پشم با محصولات ساخته شده اروپایی و سلطه اروپا در کار مبادله، تعرفه‌ها و حمل و نقل، جملگی شاخص‌های روشن الگوی حاشیه‌ای شدن و وابستگی اقتصاد ایران می‌داند.

ارتباط و پیوند اقتصاد کشور با اقتصاد نظام سرمایه‌داری و تجاری شدن محصولات کشاورزی منجر به طی گام‌های بعدی برای اقتصاد ایران و رخ دادن تحولاتی مشابه غرب در ایران نشد. ایران نقش حاشیه‌ای و وابسته در اقتصاد جهانی بر عهده گرفت و زمینه همزیستی شیوه تولید سرمایه‌داری با شیوه‌های تولید کهن در آن فراهم آمد و به قول فوستر کارتر، سرمایه‌داری نه به گونه‌ای مکانیکی از نظام‌های قبلی [جهان سوم] سر بر می‌آورد و نه ضرورتاً به نابودی اشکال ماقبل سرمایه‌داری می‌پردازد. سرمایه‌داری نه تنها در کنار نظام‌های قبلی سرمایه‌داری جا خوش می‌کند و به همزیستی با آنها می‌پردازد، بلکه هر کجا که لازم بداند به تر و خشک کردن و حفظ آنها مبادرت می‌ورزد و در مواردی بدون مقدمه به وصل کردن انواع نظام‌ها به هم مبادرت می‌کند (فوستر کارتر به نقل از پیران، ۱۳۷۶: ۲۹).

با پذیرش این امر که نظام اقتصادی، اجتماعی کشور در عصر قاجار نظامی از نوع سرمایه‌داری تجاری وابسته است، باید گفت: نظام سرمایه‌داری متکی به تقسیم و باز تقسیم فرایند تولید و لذا به تمرکز دائمی تمایل دارد و شهر که امکان گردآوری انبوهی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در مکانی نسبتاً کوچک را فراهم می‌آورد و نیاز به تقسیم و باز تقسیم مداوم فرایند تولید را زیر یک سقف، تحقق می‌بخشد؛ جایگاه طبیعی چنین نظامی تلقی می‌شود و لذا سرمایه‌داری شدیداً شهرگرا است. سرمایه‌داری چه درون‌زا و چه برون‌زا یا وارداتی نظامی است از اساس شهر محور. از این رو باید گفت شهر جایگاه طبیعی نظام سرمایه‌داری است (پیران، ۱۳۶۸: ۴۵ و ۱۳۷۶: ۲۷). لذا با توجه به ماهیت سرمایه‌داری وابسته، که منبعث از نیازهای نظام جهانی سرمایه‌داری است، شهر بهترین مکان برای رشد و گسترش سرمایه‌داری وابسته و ایفای نقش‌های از پیش تعیین شده برای آن است. از این رو رشد و گسترش شهر در شرق اسلامی در سده نوزدهم بر خلاف تصور بوبک ناشی از استثمار روستاها نیست، بلکه به دلیل خدمتگذاری به نظام سرمایه‌داری جهانی و ایفای نقش برای آن رشد بی‌قاعده پیدا می‌کند.

بنابراین، دلیل عمده توسعه نیافتگی کشور (هم توسعه نیافتگی روستایی و هم توسعه نیافتگی

شهری) و با اتکاء به مازاد اقتصادی تولیدات کشاورزی، خروج این مازاد از طریق شیوه تولید سرمایه‌داری و ماهیت سرمایه‌داری وابسته اقتصاد کشور است، نه اینکه این مازاد را شهرها از طریق روابط انگلی و سلطه آمیز با روستاها از آن خود می‌کردند. مطابق شواهد و مستندات مذکور واقعیت چیز دیگری است و فرآیندهای مورد عمل در نظام اقتصادی و اجتماعی غیر از آن چیزی است که نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری می‌گوید. با توجه به یافته‌های فوق، مدل نظری زیر برای تبیین توسعه نیافتگی دوره قاجار قابل طرح است.



ماخذ

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۳): ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی نامه علوم اجتماعی و تعاون - دانشگاه تهران. دوره ۱ شماره ۴
۲. اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران. انتشارات زمینه - تهران - چاپ اول.
۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳) از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تاثیر. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ پنجم
۴. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳). دولت و شهرنشینی. نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال نهم - شماره مسلسل ۳۲. بهار
۵. پیران، پرویز (۱۳۷۶) شهر شهروندمدار. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۲-۱۲۱
۶. پیران، پرویز (۱۳۶۸) شهر شهروندمدار. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره های سی ام و سی یکم
۷. فوران، جان (۱۳۸۳) مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران. موسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ پنجم.
۸. فوران، جان (۱۳۷۱) مفهوم توسعه وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار. ترجمه علی طایفی. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره‌های ۶۰-۵۵
۹. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۱) ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران نشر نی. چاپ هفتم.
۱۰. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶) مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا براتی فارسانی. تهران. نشر شیرازه.
۱۱. لمتون، ا. ک. س (۱۳۶۲) مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ سوم
۱۲. پاپلی یزدی، محمدحسین. رجبی سناجردی حسین (۱۳۸۲) نظریه‌های شهر و بیرامون - انتشارات سمت. چاپ اول
۱۳. مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۷). پایگاه علم جغرافیا در ایران. ج ۱- پایگاه جغرافیای شهری در ایران. انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی. چاپ اول.
۱۴. تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۴). نقش بازارهای محلی در پیوند روستایی - شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای. پایان‌نامه دوره دکتری. اساتید راهنما: دکتر عباس سعیدی. دکتر مظفر صرافی - دانشگاه شهید بهشتی
۱۵. اهلرس (اهلرز)، اکارت (۱۳۷۱) سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)، ترجمه عباس سعیدی. فصلنامه علوم زمین، دانشکده علوم زمین، دوره

جدید، شماره ۱- بهار و تابستان

۱۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۲) روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری (یک بررسی ادراکی). فصلنامه جغرافیا. نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران. دوره جدید.

شماره ۱. پاییز و زمستان

17-sklair, Leslie (1988) Transcending the impasse: Metatheory, theory, and empirical research in the sociology of development and underdevelopment •. World Development, Volume 16, Issue 6, June 1988, Pages 697-709

18-frank. A. G (1966) The development of underdevelopment monthly review, september. pp27-37

19-wallerstien(1974) Dependence in an interdependent world: The limited possibilities of Transformation with the Capitalist World Economy. African studies review. vol. 17. pp1-26 .

